

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

یونس نگاه
۱۶ نومبر ۲۰۲۱



یونس نگاه

علوم طالبان

(مبارزه با زندگی برای رستگاری در مرگ)



RIA Pashto
1h · 🌐

شیخ الحدیث فریدالدین محمود د علومو اکاډمۍ د نوي رییس په توګه ټاکل شوی.
نوموړي په خپله وینا کې دهر ډول بې‌دینۍ او کلتوري ښکېلاک په وړاندې د درېدو او مبارزې ټینګار کړی دی.



علم در قاموس طالبان کلمه بسیار پرکاربرد است. افراد رهبری خود را از الف تا یا عالم می‌خوانند، بیشتر جنگ‌جویان خود را طالب‌العلم می‌دانند و در تبلیغات علیه مخالفان نیز خود را در جبهه دفاع از علم تبلیغ می‌کنند. حق انحصارشان در حاکمیت را نیز حاصل برتری "علمی" خود می‌دانند و حتی گرفتن عشر و جزیه را نیز به جایگاه علمی گروه خود بخیه می‌زنند.

گروه بزرگی از وطنداران ما نیز طالبان را اول گروه علمی، بعد حرکت سیاسی می‌دانند. امیدهایی که به آن گروه بسته می‌شود و زمینه غلبه آن گروه را در مبارزات و جنگ‌های خرد و کلان مهیا می‌سازد، به درک مردم ما از "علم" بی‌ارتباط نیست.

علم طالبان اما با علم رایج متفاوت است. دوستان و دشمنان طالبان به این تفاوت اذعان دارند و رهبران آن گروه نیز از این تفاوت با افتخار یاد می‌کنند. محیط خاک‌آلود و مبهم علمی افغانستان فرصت مأنور برای طالبان مهیا کرده تا آنان نسخه‌شان از علم را برای تثبیت جایگاه سیاسی- نظامی خود وسیله سازند.

گزارش‌هایی که از محفل معرفی رئیس طالبان برای اکادمی علوم نشر شده، نکاتی دارد که وضعیت علم در امارت اسلامی طالبان را روشن می‌سازد و نشان می‌دهد که در صورت دوام حاکمیت این گروه مراکز تعلیمی و تحصیلی به کدامسو هدایت خواهند شد.

مولوی فریدالدین محمود، رئیس اکادمی علوم طالبان شیخ‌الحديث است. او در دوره حاکمیت اول طالبان معاون اکادمی علوم بوده است. آدم مسن است که در پاکستان آموزش دینی دیده و زادگاهش پکتیکا است. او مدتی در اداره طالبان والی آن ولایت بوده و در مذاکرات با امریکا عضو هیأت طالبان در دوحه نیز بوده است. در این‌جا با استفاده از سخنانی که در محفل معرفی آقای محمود گفته شده، چند ویژگی علم طالبان را مرور می‌کنیم:

(۱) نصرت الهی

روز یکشنبه، ۲۳ عقرب هنگام معرفی او، شیخ‌الحديث دیگری که نور الحق انور نام دارد و سرپرست اداره امور طالبان است، تعیین آقای محمود را نشانه ارزش‌گذاری رهبری طالبان به اکادمی علوم خوانده و ادامه دستاوردهای آن گروه برای تثبیت نظام اسلامی دانسته است. او گفته است که تحولات اخیر، نصرت الله تعالی و نعمت است که برای تمام افغان‌ها خوش‌خبری می‌باشد. علم برای طالبان بخشی از نصرت الهی است نه دانش بشری برای رفاه و آرامش دنیائی. در جامعه مرگ‌پندار ما خیلی‌ها زندگی را مرحله کوتاه تیری برای مرگ می‌دانند و طالبان خود را دانشمندان و متخصصان مرگ خوب می‌خوانند نه زندگی آسوده.

(۲) حمایت بشری

سال‌ها جنگ و گرسنگی میدان علم را در افغانستان بسیار تهی کرده است. تک‌توک آدم‌هایی که در چوکی‌های علمی و دانشگاهی مانده‌اند، شهادت لازم برای دفاع از باورهای خود در مورد علم را ندارند. خیلی از افراد لقبدار و سنددار به آسانی پشت ملاهای علوم مدرسه‌ای قطار می‌ایستند و برای نفرین‌هایی که از رهبران طالبان نسبت به علوم معاصر، القاب و اسناد دانشگاهی می‌شنوند، آفرین می‌گویند. در واقع روایت زمینی و آزمایشگاهی از علم در افغانستان مدافعان پی‌گیر و جدی ندارد. در محفل معرفی شیخ‌الحديث محمود، رئیس اسبق آن اکادمی که عنوان دانشگاهی طولانی "خبیرنپوه دکتور" دارد از رهبری طالبان به نمایندگی تمام اعضای اکادمی علوم تشکر نموده که شخص مناسب را برای ریاست آن اداره تعیین کرده است. به گفته پروفیسور و دکتور تحقیق آقای عبدالظاهر شکیب، شیخ‌الحديث محمود هم معلومات کافی در مورد اکادمی دارد، هم دانش و تجربه لازم برای رهبری آن اداره. او گفته است که با اخلاص و دیانت با رئیس جدید همکاری خواهد کرد تا علم و دانش طالبانی پیشرفت کند. اما تجربه و دانش شیخ‌الحديث در چه رشته‌ایست؟ در ادامه از خود او بخوانیم.

(۳) وعده اخروی

علوم طالبان آزمایش‌پذیر نیست و موفقیت آن را در این جهان نمی‌توان رد یا تأیید کرد. در علم طالبان لابراتوار، حسابدهی، پاسخ‌گویی، اصلاح و تعدیل وجود ندارد. شیخ‌الحديث مولوی فریدالدین محمود بسیار روشن مأموریتش را

تعریف کرده است. او در محفل معرفی‌اش گفته است که هر انسان تلاش دارد به موفقیت برسد، اما هر شخص و گروه معیار و اصول خودش را برای کامیابی دارد. از نظر او معیار طالبان برای کامیابی از قبل توسط خالق انسان تعیین شده است. این معیار چیست؟ "از دوزخ خود را دور نگهدارید و جنت را به دست آورید". او برای اثبات درستی معیارش نیاز به مذاکره، بحث و آزمایش نمی‌بیند بلکه به دستوری تمسک می‌جوید که قرن‌ها پیش از آسمان آمده است. او در سخنرانی‌اش از الله متعال نقل کرده است: "فَمَنْ زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ" {پس هرکس از آتش بر کنار شد و به بهشت وارد گشت، قطعاً رستگار است}. این عبارت، بخشی از آیت مبارکه ۱۸۵ سوره آل عمران است که در آن مرگ تمجید شده و زندگی مایه فریب خوانده شده است. خداوند در آن آیت گفته است: **كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّقُونَ أُجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحِرَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ** "هرکسی چشیده مرگ است. و بی‌گمان روز قیامت پاداش‌های شما به طور کامل پرداخت خواهد شد. پس هرکس از آتش بر کنار شد و به بهشت وارد گشت، قطعاً رستگار است و زندگانی دنیا، جز مایه‌ی فریب نیست." از نظر شیخ‌الحديث این آیت معیار مسلمان‌ها برای موفقیت است و علوم باید براساس این معیار تنظیم شوند. ازین‌رو، مأموریت رئیس اکادمی علوم طالبان نجات مردم از زندگانی دنیا و تضمین مرگ رستگاران است. اما چگونه؟

۴) زدودن جامعه از علوم غیرطالبانی

او در اکادمی علوم مأموریت ندارد که زمیه تحقیق درمورد جلوگیری از سیلاب، کشت حبوبات پرثمر، کارزار مؤثر علیه قحطی، راه‌های افزایش نرخ شادی، افزایش طول عمر و جلوگیری از امراض را مهیا کند. در علوم طالبان سیلاب، قحطی، غم، زودمرگی و امراض با تحقیق و آموزش قابل پیش‌گیری نیستند بلکه در لوح محفوظ از قبل درج گردیده‌اند تا انسان‌های نیکو را به بهشت و بدان را به جهنم ببرند. اکادمی علوم مسئولیت دارد تا سیلاب‌زدگان، گرسنگان و مریضان را از طریق "مبارزه با هرگونه بی‌دینی و استعمار فرهنگی" به بهشت هدایت کند. اکادمی علوم و دیگر نهادهای "علمی" طالبان پاسبانان چشم و گوش مسلمانان افغان خواهند بود تا مانع ورود "آگاهی" غیرطالبانی به ذهن آنان شوند.

همکار آقای محمود در وزارت تحصیلات عالی قبلاً اعلام کرده بود که تحصیلات دانشگاهی کار بیهوده است و کسانی که در بیست سال گذشته درس خوانده‌اند به دردخور نیستند. یعنی باید جامعه از "لوث" تحصیلات غیرطالبانی پاک شود. همکاران دیگر آقای محمود در وزارت معارف مشغول پاسبانی از چشم‌وگوش زنان و دختران کشورند و اجازه نمی‌دهند که نلغهنلغه دختران وطن که ان شاءالله هرکدام می‌تواند گور زیبایی داشته باشد و به بهشت نایل گردد، به مکتب رفته و به لوث بی‌دینی آلوده شوند. علم واقعی از نظر طالبان آموزش مرگ است. شاید از همین خاطر با خون‌سردی می‌کشند، به آرامی گرسنگی میلیونی وطنداران خود را تماشا دارند و از دیدن کوچه‌های پر از گرسنه و بی‌کار اندوهگین نمی‌شوند.

این روایت طالبانی در جامعه ما بسیار ریشه‌دار است و به گوش جمع بزرگی از وطنداران ما هم آشنا و هم زیبا می‌آید. از قرائن بر می‌آید که ذهن ملت ما را مرگ فتح کرده است، چرا که همه‌جا دعا برای مرگ آبرومند و آخرت خوب شنیده می‌شود. در مکتب، در مدرسه، در پوهنتون، در فاتحه، در مسجد، در مجلس رسمی، در قصه‌های فولکور مبارزه با زندگی جریان داشته است. زندگی قبیح و مایه فریب پنداشته شده است. حتی در ادبیات کسانی که علیه طالبان می‌ایستند، دشمنی با زندگی آشکار است. در روزی که شیخ‌الحديث محمود رئیس اکادمی علوم معرفی شد و زندگی را مایه فریب خواند، تعدادی از دختران جوان در چند کیلومتری اکادمی علوم شعار می‌دادند: "عدالت بیاورید، تاب

گرسنگی را داریم". این شعار دشمنی با زندگی بود. دختران شعار دهنده زور گرسنگی را ندیده‌اند و نمی‌دانند مادری که فرزندش را برای نان می‌فروشد چه حال دارد! آنان نمی‌دانند که عدالت و گرسنگی جمع‌شدنی نیستند. آنان نمی‌دانند که عدالت ابزار مبارزه با گرسنگی‌ست و گرسنگی شلاق مرگ بر پشت زندگی.

